

## مطالعه مقایسه‌ای تأثیر کارگاه‌های تولیدی بر محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی: قلعه آبکوه و قلعه ساختمان مشهد)

محمد اجزا شکوهی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
اکرم مهرورز - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
مهرنوش افشاری\* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت مقاله: ۹۲/۳/۷

پذیرش نهایی: ۹۲/۱۲/۲۵

### چکیده

از پیامدهای صنعتی شدن رشد روزافزون شهرها در پی مهاجرت‌های روستا شهری بوده است. این مسئله در شهرهای ایران همچنان ادامه دارد و نه تنها گریبان‌گیر شهرهای بزرگ است بلکه به شهرهای متوسط هم سرایت نموده است. حاشیه نشینی و تأمین اشتغال برای ساکنان حاشیه‌ها تبدیل به معضلی برای شهرهای مهاجرپذیر شده است. اکثر این افراد فاقد مهارت و آموزش‌های لازم هستند. با این وجود به امید بهبود وضعیت زندگی و درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ می‌آیند و به دلیل نداشتن سرمایه لازم اجباراً جذب حاشیه‌ها می‌شوند. در این مقاله سعی شده است با مطالعه مقایسه‌ای دو محله حاشیه نشین قلعه آبکوه و قلعه ساختمان مشهد به تأثیر کارگاه‌ها در جمعیت پذیری محلات حاشیه نشین پرداخته شود. جامعه آماری انتخاب شده از کارگران و کارفرمایان دو محله است، تعداد ۱۴۲۰۳ کارگاه در هر دو محله مشغول فعالیت هستند. جامعه آماری به دست آمده با توجه به فرمول کوکران در مجموع ۲۵۴ کارگاه است که در محله قلعه آبکوه ۸۴ کارگاه و در محله قلعه ساختمان ۱۷۰ مورد به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. روش تحقیق این مقاله ترکیبی از روش توصیفی - تحلیلی است و در جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از روش‌های اسنادی و مشاهدات میدانی استفاده شده است. نتایج استخراج شده از مطالب پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه حضوری با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اطلاعات به دست آمده از نتایج نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب محل احداث کارگاه و اشتغال، برای کارفرما و کارگران نزدیکی به محل سکونت است، همچنین رابطه خویشاوندی بین کارفرما و کارگران می‌تواند به عنوان عاملی در جهت جذب جمعیت به این محلات باشد، تفاوت دیگر به دست آمده از نتایج در دو منطقه نشان دهنده تفاوت در نوع مهاجرین است، بیشتر مهاجرینی که در محله قلعه ساختمان سکونت دارند از شهرستان‌های خراسان بزرگ (فریمان، چناران، قوچان، تربت و سرخس و یا روستاهای اطراف این شهرستان‌ها) می‌باشند در صورتی که در محله آبکوه افراد وارد شده به این منطقه از سراسر شهرهای ایران (کاشان، تهران، قم، کرمان و ...) هستند.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، مهاجرت، کارگاه‌های تولیدی، فاصله، رضایت شغلی.

## ۱. مقدمه

نتیجه رشد شتابان شهرها بدون توسعه زیرساخت‌های مناسب شهری، اسکان غیررسمی در پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ است. شهرگرایی و رشد مناطق شهری موجب افزایش مناطق حاشیه نشین شده است (Slums city et all, 2009 : 108). براساس آمار بانک جهانی در ۲۵ سال گذشته جمعیت حاشیه نشینان دو برابر شده است. البته بانک جهانی امیدوار است تا سال ۲۰۲۰ با تدوین برنامه‌هایی بتواند وضعیت ۱۰۰ میلیون حاشیه نشین را بهبود بخشد. آمارنامه‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و در حاشیه تمامی شهرهای بزرگ دنیا سکونتگاه‌های غیر رسمی و حاشیه نشینان وجود دارد و مدیران شهری این کلان شهرها با مشکلات آن‌ها روبه رو هستند. زندگی میلیون‌ها زاغه نشین به علت در دسترس نبودن نیازهای اولیه بشری تهدید می‌شود. حاشیه نشینی در واقع حاصل و برونداد مشکلات اجتماعی و ساختاری می‌باشد که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از شهرها و روستاها اتفاق می‌افتد. این پدیده اجتماعی، در کشورهای توسعه نیافته، پررنگ تر و در فرآیند مدیریت شهری تأثیرات منفی بیشتری دارد (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

رشد بی‌رویه شهرها در کشورهای کمتر توسعه یافته محصول سه عامل اساسی نرخ بالای زاد و ولد شهری، مهاجرت شتابان و تبدیل مناطق روستایی به شهر است. در این فرآیند مهاجرت از نوع بی‌رویه و شتابان نقش محوری دارد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). از جمله مشخصه‌های بیشتر شهرها در کشورهای در حال توسعه وجود سکونتگاه‌های غیررسمی (زورآباد) در حاشیه آن‌هاست. مساحت بعضی سکونتگاه‌های غیررسمی چندان وسیع است که خود می‌توانند شهرهایی تلقی شوند. این بخش‌ها مناطقی از شهر به شمار می‌آیند که در طول زمان ثبات نیافته‌اند و هم اکنون نیز نشانه‌ای از ارتقا و بهبود در آن‌ها مشاهده نمی‌شود (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۰۱). میزان حاشیه نشینی به عدم تکافوی سیستم مالی مسکن و نیز توسعه شهری بستگی دارد، همچنین رشد جمعیت و گسترش فقر نیز بر آن تأثیر می‌گذارد (پاگ، ۱۳۸۳: ۲۳۱). حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که در کنار دیگر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر، بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت می‌نماید و باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش اختلاف طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. براین اساس حاشیه نشینی یک مسئله و عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

برای توصیف این سکونتگاه‌ها اصطلاحات مختلف دیگری به کار برده شده است، که از جمله آن‌ها می‌توان سکونتگاه‌های خودانگیخته، غیررسمی، مهارگسیخته، موقتی، نامنظم، بدون برنامه‌ریزی، غیر قانونی، خودیار، حاشیه‌ای و پیرامونی را برشمرد (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۱۲).

تحقیقات نشان می‌دهد در کشور ما رشد سریع اسکان غیررسمی حتی سریع‌تر از رشد جمعیت شهری بوده است و حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور در این مناطق ساکن هستند. اسکان غیر رسمی در داخل یا پیرامون شهرهای بزرگ نمودی از فقر و تجمع افراد کم درآمد و ضعف مدیریت شهری است.

مسئله‌ای که از دهه ۱۳۴۰ بدان توجه شده، ولی تاکنون راه حل عملی برای آن پیدا نشده است. ساکنان این مناطق به دلیل نداشتن مهارت لازم و یا کم سواد امکان پیدا نمودن شغل مناسب را ندارند و بالطبع جذب مشاغل غیر رسمی با درآمد محدود و یا فصلی می‌شوند (علاءالدینی، ۱۳۸۷: ۳). در این پژوهش نیز مشخص شد افراد ساکن در این محلات از سواد کمتری نسبت به دیگر مهاجرین برخوردارند. در این مقاله با مقایسه دو بخش اسکان غیررسمی در مشهد (مناطق قلعه آبکوه و قلعه ساختمان) سعی شده است بازار کار و میزان رضایتمندی شاغلین، چگونگی یافتن شغل را مورد بررسی قرار دهیم.

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر کارگاه‌ها بر جذب مهاجر، توسعه حاشیه نشینی و مطالعه تأثیر فاصله بین محل سکونت و محل کار در شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه نشین و قلعه آبکوه و قلعه ساختمان است. با در نظر گرفتن شکل‌گیری ابتدایی سکونتگاه‌های قلعه آبکوه و قلعه ساختمان (قلعه آبکوه، روستای حل شده در بافت شهری و قلعه ساختمان، منطقه‌ای ساخته شده توسط مهاجرین) در نوع مهاجرین ساکن شده این مناطق نیز تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت. بررسی تحولات جمعیتی با محوریت کارگاه‌ها، مقایسه روند انتخاب محل کار و فاصله آن تا محل سکونت در دو منطقه آبکوه و ساختمان و میزان رضایتمندی شغلی در بین کارگران و شاغلین از مهمترین اهداف جزئی این پژوهش می‌باشد. با توجه به بررسی‌های انجام شده در محل فرضیه‌های زیر قابل طرح است:

- اکثر شاغلین در محله‌های حاشیه‌نشین از مهاجرین شهری و روستایی هستند که به دلیل فرصت‌های شغلی موجود به منطقه جذب شده‌اند. که با توجه به تفاوت در نوع شکل‌گیری این دو منطقه در حاشیه‌ی مشهد، نوع مهاجرین هم متفاوتند.

- انگیزه احداث کارگاه‌ها با توجه به مهاجر بودن جمعیت نزدیکی به محل سکونت است.

- میزان رضایتمندی شغلی بین محلات حاشیه نشین قلعه آبکوه و قلعه ساختمان تفاوت معنی داری وجود دارد.

## ۲. مروری بر ادبیات تحقیق

### ۲-۱. نظریات پیدایش حاشیه نشینی

مهم‌ترین نظریه مربوط به پیدایش مناطق حاشیه نشین، نظریه استفاده از اراضی شهری است. در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت بازندگان رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می‌کنند و در نتیجه به ظهور پدیده‌هایی نظیر زاغه نشینی، حاشیه نشینی، حلبی‌آباد و ... دامن می‌زند (هاروی، ۱۹۷۳). نظریه مرکز پیرامون به خوبی فرآیند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای در نتیجه بهره‌کشی ناعادلانه هسته شهری را نشان می‌دهد و در این نظریه هسته مرکزی شهر به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که از انباشت سرمایه در درون و عدم سرمایه‌گذاری در بیرون حاصل می‌گردد، دائماً خود را تقویت نموده و ناحیه بیرونی خود را از توسعه

فیزیکی و انسانی باز می‌دارد. شهرهای صنعتی نمونه بارز شکل‌گیری فضایی چنین نظامی است (فریدمن، ۱۹۷۶) (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۲: ۳-۲). برخی از محققان علت عمده پیدایش مناطق حاشیه نشین را مهاجرت افرادی دانسته که به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در پی یافتن فرصت‌های شغلی و درآمد بیشتر می‌باشند. برای مثال دیچارد بیلزبرو (۱۹۹۶) عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی را در مهاجرت مؤثر می‌داند. لی و بوگ (۱۹۶۰ و ۱۹۸۱) بر نقش عوامل جاذبه و دافعه تأکید می‌کنند. جی هولرز و همکاران (۱۹۸۱) معتقدند که مهاجرت‌های داخلی به میزان قابل توجه از فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد.

نظریه قطب رشد از جمله نظریات مبتنی بر رشد اقتصادی است که ریشه در اقتصاد نئوکلاسیک دهه ۱۹۵۰ دارند. این نظریه که ابتدا توسط فرانسوا پرو، اقتصاددان فرانسوی مطرح گردید، مورد توجه سایر اندیشمندان در شاخه‌های دیگر قرار گرفت. در بعد جغرافیایی، این نظریه از حالت تئوری مصرف خارج گشته و شکل و بعد فضایی به خود گرفته است. بودویل، قطب‌های رشد را مراکز صنعتی دانست که با رسیدن به مرحله توسعه و رشد کامل، مازاد اقتصادی را به نواحی پیرامون خود منتقل کرده و باعث توسعه آن‌ها می‌شود. این نظریه با استقبال جدی سیاستگذاران کشورهای جهان سوم مواجه گردید که نسخه بیماری اقتصادی خود را پیدایش شهرهای صنعتی می‌دانستند. در عمل نه تنها چنین اهدافی تحقق یافت، بلکه این شهرهای نوظهور صنعتی خود به مانعی در جهت توسعه تبدیل گشت. چنان که ظهور و توسعه حاشیه نشینی در شکل و زشت و ناموزون از نتایج آن به شمار می‌رود.

## ۲-۲. حاشیه نشینی (اسکان غیررسمی)

پدیده اسکان غیررسمی معرف نوعی سکونت در مکان خاصی از شهر است که افراد ساکن در آن‌ها در شرایط متفاوت و پرمشکلی زندگی می‌کنند و حل مشکلاتشان نیازمند توجه و برنامه‌ریزی ویژه‌ای است (رهنا، ۱۳۸۷: ۸۸). خانه‌سازی غیررسمی ذاتاً به تعریف قانونی و متعارف و نیز به نتیجه تصمیمات سیاسی راجع به مقررات ساختمان و استانداردهای توسعه زمین بستگی دارد، که بین آنچه رسمی محسوب می‌گردد با آنچه که غیررسمی است تمایز قایل می‌شوند. در بیشتر کشورهای رو به توسعه هزینه‌های ضریب افزایش توسعه زمین فوق‌العاده سنگین‌اند. در کشورهایی که درآمد سرانه شان پایین تر از ۵۰۰۰ دلار آمریکا است؛ زمین ساخته و پرداخته‌ای که استانداردهای بهداشتی، آب، جاده و مقررات فرعی و نظایر این‌ها را داشته باشد، بین ۲ تا ۱۶ برابر زمین توسعه نیافته ارزش دارد (هال، ۱۳۸۸: ۳۲۵). به موازات رشد شهرنشینی در کشور در دهه‌های اخیر سکونتگاه‌های نامتعارف و خودانگیخته درون یا مجاور شهرها - به ویژه شهرهای بزرگ - به سرعت ایجاد شده و رشد یافته است. این سکونتگاه‌ها اغلب دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- مسکن سازی شتاب زده توسط استفاده کنندگان که به دلیل نداشتن پروانه ساختمان و تبعیت نکردن از برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، مجموعه‌ای نابسامان را به وجود آورده‌اند؛

- پیوستگی عملکردی با شهر اصلی و گسست کالبدی از آن با تجمعی از افشار عمدتاً کم درآمد و فقیر؛  
 - محیطی با کیفیت پایین زندگی و کمبود شدید خدمات و زیربنای شهری و تراکم بالای جمعیت؛  
 ویژگی‌های گفته شده ساکنان این سکونتگاه‌ها را در مخاطره آسیب‌های اجتماعی و زیست محیطی قرار داده و موجب جدایی‌گزینی آن‌ها از شهر اصلی شده است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).  
 رشد جمعیت سکونتگاه‌های افراد کم درآمد سالانه بین ۱۲ تا ۱۵ درصد است (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۱۳).  
 برآورد می‌شود که در حال حاضر حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد سکونتگاه‌های شهری غیر رسمی، غیر قانونی یا هردو باشند. سکونتگاه‌های غیررسمی آن‌هایی هستند که ثبت نشده‌اند، اما لزوماً غیر قانونی نیستند. سکونتگاه‌های غیرقانونی به آن‌هایی اطلاق می‌شود که حقوق مالکیت قانونی مالکان را نقص کرده‌اند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

حاشیه نشینی پدیده‌ای است که در کنار سایر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر، بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل چهره و سیمای شهر را بد قیافه و زشت می‌نماید و باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌شود. بر این اساس، حاشیه نشینی یک مسأله و عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد (صابری فر، ۱۳۸۸: ۳۰). به جز سکونتگاه‌های غیررسمی که در اطراف شهرهای بزرگ رشد پیدا می‌کنند و حاصل مهاجرت‌های روستا شهری هستند، نوعی بافت حاشیه‌ای هم وجود دارد که به دلیل رشد و گسترش شهرها اتفاق می‌افتد، در این گونه سکونتگاه‌های غیررسمی، مناطق روستایی با همان بافت در شهرها حل می‌شوند که همواره تفاوت ساختاری و اجتماعی- اقتصادی آن‌ها با پیرامون احساس می‌شود.

## ۳-۲. اشتغال و کار

یکی از جنبه‌های نگران کننده توسعه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، رشد بی سابقه جمعیت و نیروی کار شهری بود. شهرهای درحال توسعه تعداد زیادی از جویندگان کار را جذب می‌کنند فقدان فرصت‌های شغلی با درآمد کافی برای اکثریت جمعیت، از جمله مشکلات عمده شهر در کشورهای در حال توسعه است. دامنه مفهوم کار بسیار گسترده است و شامل تمام فعالیت‌های تولیدی یا اجتماعی می‌شود که می‌تواند برای خانوار، اجتماع محلی و یا کشور کمکی به حساب بیاید بدون آنکه در قبال آن مزدی پرداخت شود اما اشتغال انجام دادن کار یا برعهده گرفتن مسئولیتی در قبال دریافت مزد است (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۵۱-۲۴۳). در هزاره سوم نیاز شدیدی به کارکنان فنی ماهر به وجود می‌آید و این کارکنان بسیار نادر و کمیاب می‌شوند، افزایش پیچیدگی‌های فناوری باعث می‌شود تا بیش از آنکه نیاز به ساختارهای موجود ارائه دهنده خدمات به وجود آید این نیاز با شدت بیشتر متوجه متخصصین فناوری گردد. دستمزد کارگران فنی و تخصصی افزایش می‌یابد ولی برای کارگران خدماتی دستمزد تقریباً ثابت باقی می‌ماند. در کشورهایی که درصد بیشتر نیروی کار در بخش خدمات به کار گرفته می‌شوند، مشاغل خدماتی بیشتری با حقوق کمتر ایجاد خواهد شد و عملاً قدرت خرید تعداد زیادی از خانواده‌ها با درآمد

متوسط کاهش خواهد یافت (هاشمی، ۱۳۸۵: ۴۰). با توجه به عدم مهارت و یا آموزش‌های لازم، جویندگان کار در این مناطق اجباراً جذب مشاغل غیررسمی و خدماتی می‌شوند که یا به صورت کارگران روز مزد و یا با حقوق ناچیز به خدمت گرفته می‌شوند. اکثر این افراد در کارگاه‌هایی با حداکثر ۵ کارگر و یا در کارگاه‌های غیر مجاز که از نظر ایمنی و حقوق اجتماعی کارگران در پایین‌ترین سطح است، مشغول به کار هستند (مشاهدات نگارندگان).

در تعریف کارگاه و کارفرما آمده است:

کارگاه محلی است که کارگر در آنجا به دستور کارفرما کار می‌کند از قبیل اماکن عمومی، مؤسسات صنعتی، معدنی، ساختمانی، بازرگانی، مسافری، باربری و امثال آن؛ قانون گذاران در تعریف کارگاه و ماده ۴ قانون کار از معنای آن فاصله نگرفته و با اندکی تغییر کارگاه را چنین تعریف کرده‌اند: کارگاه محلی است که کارگر به درخواست کارفرما و یا نماینده او در آن جا کار می‌کند، از قبیل مؤسسات صنعتی، معدنی، کشاورزی، ساختمانی، مسافری، ترابری، خدماتی، تجاری، تولیدی و اماکن عمومی و امثال آن‌ها. کلیه تأسیساتی که به اقتضای کار متعلق به کارگاهند؛ شامل نمازخانه، تعاونی، ناهارخوری، مهدکودک، شیرخوارگاه، درمانگاه، حمام، آموزشگاه حرفه‌ای، قرائت خانه، کلاس‌های سوادآموزی و سایر مراکز آموزشی و اماکن مربوط به انجمن اسلامی و بسیج کارگران، ورزشگاه و وسایل ایاب و ذهاب و نظایر آن‌ها جزء کارگاه می‌باشند.

قانون گذاران در تعریف کارفرما تعریف نسبتاً جامعی را در ماده ۳ قانون کار بیان می‌دارند. به موجب این ماده: کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند. مدیران و مسئولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده دار اداره کارگاه هستند، نماینده کارفرما محسوب می‌شوند و کارفرما مسئول تمام تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر برعهده می‌گیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خود تعهدی نماید و کارفرما آن را نپذیرد، در مقابل کارفرما ضامن است (مهدوی مزینانی، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۰). بعضی از حقوقدانان معتقدند کارفرما کسی است که سرمایه و وسایل کار را دارد ولی برای تولید کالا و یا ارائه خدمات باید از نیروی کار دیگری استفاده کند، از این رو کارگران مزدبگیر را به خدمت می‌گیرد (عراقی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). در نتیجه افت فرصت‌ها در بخش رسمی، به تدریج اقتصاد غیر رسمی کلان به شاخص شهرهای در حال توسعه تبدیل می‌شوند. میزان رشد اشتغال صنعتی در همگامی با رشد جمعیت شهری ناکام و ناکافی بوده است. اما بخش غیر رسمی نیز نشان دهنده رشد و رکود فقر است، چنان که قراردادهای صنایع خانگی و چند شغلی به ابزاری برای بقا بدل شده است (پاتر، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

#### ۴-۲. تاریخچه حاشیه نشینی در ایران و مشهد

پیشینه اسکان غیررسمی در ایران قبل از سال‌های دهه بیست شروع شده و تا سال ۱۳۵۰ به شدت رشد کرده است. بطوری که تعداد آن‌ها در شهرهای اهواز، بندرعباس، بوشهر، شیراز، کرمان، کرمانشاه و همدان طی سی سال (۱۳۵۰-۱۳۲۰) ۱۱ برابر شده است. علاوه بر آن عوامل متعددی زمینه‌های

مناسب برای شکل‌گیری پرشتاب آن را فراهم آوردند. مهاجرت‌های روستا - شهری امری اجتناب‌ناپذیر است از این رو نباید تصور کرد که می‌توان مهاجرت روستا - شهری را متوقف نمود و علاوه بر آن اشتباه است که پدیده اسکان غیررسمی را صرفاً به دلیل مهاجرت دانست (کاظمیان، ۱۳۷۹). یکی از عوامل که مهاجرت روستاییان به شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) را سرعت بخشید صنعتی شدن ظاهری شهرها و از بین رفتن کشاورزی و فقر اقتصادی مهاجرین موجب شد تا مهاجرین برای پیدا کردن پناهگاهی که از نیازهای اولیه بشر است، به اطراف شهرها و واحدهای مسکونی غیراستاندارد روی بیاورند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

شهر مشهد با جمعیتی حدود ۲/۵ میلیون نفر بعد از تهران دومین شهر پرجمعیت کشور است. در واقع فرآیند شکل‌گیری این مجموعه شهری نه با توسعه بخش صنعت، بلکه با توسعه بخش خدمات آغاز شده است. درآمدهای حاصل از خدمات گردشگری و زیارتی در تولید و بازتولید خود به توسعه بخش خدمات منجر شده است. به طور قطع می‌توان بخش خدمات و به ویژه خدمات گردشگری را به عنوان اشتغال پایه در این مجموعه تعریف نمود (کاظمیان، ۱۳۷۹: ۱۲). به طور کلی عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی در مشهد را می‌توان نشأت گرفته از عوامل زیر دانست:

- **عوامل طبیعی:** مانند سیل، زلزله، خشکسالی، بیابان‌زایی و حرکت ماسه‌های روان و نیز جاذبه‌های شهر مشهد نظیر آب و هوای مطلوب‌تر، منابع آب مناسب و خاک حاصلخیز.

- **عوامل انسانی:** مهم‌ترین عوامل دافعه محیط روستا (شیوه‌های نادرست اسکان عشایر، کمبود و یا نبود امکانات رفاهی، خدماتی، زیربنایی (آب، برق، گاز و...)، بهداشتی و ...) و جاذبه فضای شهری (بورس بازی زمین، اسقرار خدمات رفاهی و آموزشی، تمرکز و انباشت سرمایه، تمرکز ادارات دولتی و...) می‌باشد.

علاوه بر آن عواملی چون: نقش مذهبی مشهد و کانون جمعیتی و بزرگترین قطب شهری شرق کشور؛ گسترش فضایی شهر و جاذبه‌های شهری؛ مهاجرت میلیون‌ها افغانی به خراسان و به خصوص مشهد؛ امنیت نسبی شهر مشهد در دوران جنگ را نیز می‌توان برشمرد (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۸). سکونتگاه‌های غیر رسمی معمولاً در محلی شکل می‌گیرد که در آن زمین ارزان و قابل عرضه وجود داشته باشد و نظارت قانونی بر تغییر کاربری و ساخت و ساز غیر مجاز ضعیف باشد. به دنبال گسترش محدوده قانونی مشهد در دهه ۱۳۷۰ و تصویب قطعی محدوده جدید آن در سال ۱۳۸۶ در سومین طرح جامع، تقریباً تمام سکونتگاه‌های غیر رسمی دهه‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ وارد محدوده شهر شدند (مهندسان مشاور فر نهاد).

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

در مطالعه حاضر، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و آماری، پیمایش میدانی، پرسش‌نامه و مصاحبه، برداشت مستقیم و دستی از کاربری‌ها وضع موجود صورت گرفته و روش کار بر مطالعات تحقیقی

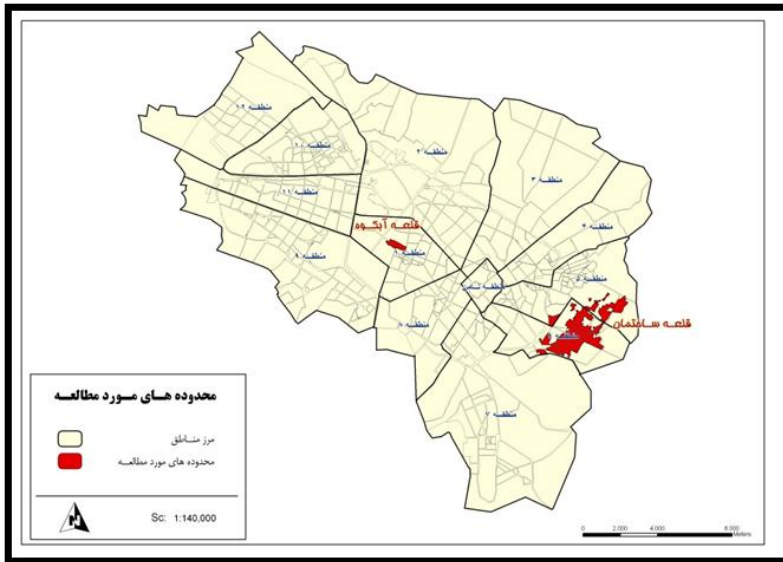
ترکیبی از روش توصیفی- تحلیلی جهت تحلیل و بررسی زوایای مختلف موضوع استفاده شده است. محله آبکوه مشهد از روستاهای نزدیک به این شهر بوده که با گسترش شهر در بافت شهری حل شده اما ساختار مسکن همچنان بافتی روستایی دارند و اکثر مسکن و کاربری‌های تجاری آن فاقد سند رسمی می‌باشند. محله قلعه ساختمان بر اساس مهاجرت روستاییان و افغان‌ها برپا شده است. با توجه به این مسئله که هر دو محله برای دوره‌ای مهاجرپذیر بوده‌اند، افراد وارد شده به محله قلعه آبکوه از شهرهای بزرگ ایران و یا از خویشوندان مردم محله و مهاجرین قلعه ساختمان افراد روستایی و یا از شهرهای کوچک خراسان بزرگ (فریمان، قوچان، سرخس و ...) هستند، لذا فرضیه‌های ما براساس مشاغل شکل گرفته است.

جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل کارگاه‌های این مناطق و کارگران شاغل در این کارگاه‌ها می‌باشند. که در مجموع در این دو منطقه ۱۴۲۰۳ کارگاه مجاز مشغول فعالیت هستند. بر اساس فرمول کوکران با توجه به سطح اطمینان ۹۵ درصد و انحراف معیار ۰/۵ در کل ۲۵۴ کارگاه به عنوان حجم نمونه آماری به دست آمد که با توجه به این نکته که تعداد کارگاه‌ها قلعه آبکوه یک سوم قلعه ساختمان است لذا برای منطقه آبکوه ۸۴ کارگاه و برای منطقه قلعه ساختمان مشهد ۱۷۰ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که با توجه به پرسش‌نامه ارایه شده، تعداد افرادی که در طول ۳۰ سال گذشته به منطقه قلعه ساختمان مهاجرت نموده‌اند بیش از منطقه آبکوه است.

#### ۴. محدوده مورد مطالعه

مناطق مورد مطالعه در این تحقیق شامل منطقه قلعه آبکوه (قدیمی‌ترین منطقه) در قسمت میانه غربی و منطقه قلعه ساختمان در شمال شرقی (در بخش رضویه) هستند. با توجه به آمار رسمی نیز تعداد کارگاه‌های فعال در آبکوه ۴۹۹۰ فعالیت و در ساختمان ۹۲۱۳ فعالیت گزارش شده است. دلایل انتخاب این دو منطقه اهمیت قلعه آبکوه به عنوان بافتی قدیمی در میانه مشهد و قلعه ساختمان به عنوان بافتی مهاجرپذیر به عنوان محدوده‌ای حل شده در مشهد می‌باشد. جمعیت آبکوه در ۲۰ سال دوره آماری کم شده است و جمعیت قلعه ساختمان در این دوره آماری افزایش داشته است (شکل ۱). همچنین نوع فعالیت‌های انجام گرفته در هر دو منطقه تقریباً مشابه و بر پایه ارائه خدمات می‌باشد، لازم به ذکر است در منطقه قلعه ساختمان فعالیت‌های مزاحم مانند تعمیر ماشین آلات کشاورزی، آهن فروشی به دلیل حاشیه‌ای و نزدیکی به روستا بودن نیز به چشم می‌خورد.





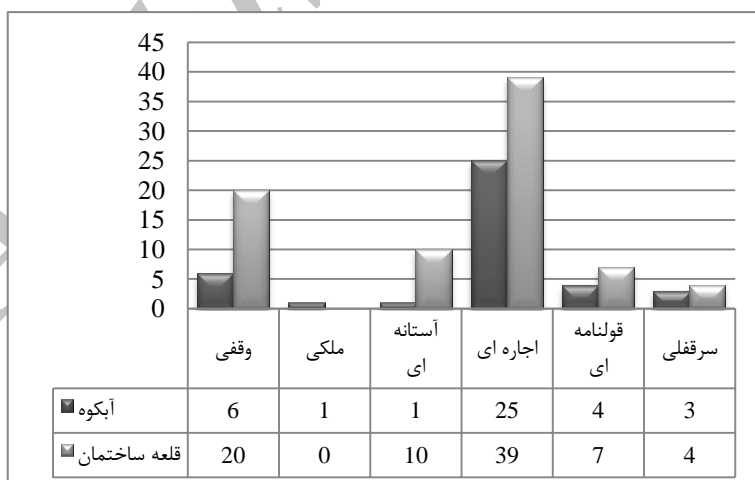
شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر مشهد

محله آبکوه مشهد که مشتمل بر دو پلاک اصلی ۴ (قریه آبکوه) و ۵ (قریه سعدآباد) می‌باشد در مطالعات طرح جامع شهر مشهد در سال ۴۹-۱۳۴۶ در مسیر توسعه غرب شهر قرار گرفت. در گذشته این منطقه روستایی بوده است که مالکیت زمین‌های کشاورزی آن متعلق به آستان قدس بوده و در آنجا کشاورزان، پیمانکاران (اجاره‌داران) آستان قدس رضوی بودند و سعدآباد در اراضی متعلق به اوقاف واقع شده است (مهندسین مشاورین نقش آذین شهر، ۱۳۸۵: ۱). به دلیل سمت توسعه به سمت غرب، این روستا در مشهد حل شد و بافت مساکن آن روستایی و کم دوام است که با سیل جمعیت مهاجران روستایی جویای کار به شهرها این منطقه هم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۷۱ جزء مناطق مهاجرپذیر بوده است. به دلیل انسجام و روابط خویشاندی قوی و گسستی اجتماعی نسبت به بافت پیرامونی از ورود مهاجرین رده پایین به این منطقه جلوگیری شده است (سعیدی و رضوانی، ۱۳۸۵: ۳۰). مساحت قلعه آبکوه ۷۷/۸ هکتار (دارای ۹۵ بلوک) و جمعیت ساکن در این منطقه طبق آخرین آمار سرشماری رسمی در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۵۵۳۹ نفر برآورد شده است. از آنجایی که منشاء شکل‌گیری بافت این منطقه با محلات مجاور کاملاً متفاوت است، بافت اجتماعی و اقتصادی آن نیز نسبت به آن متفاوت است. همانگونه که این بافت از نظر کالبدی با ساختار شبکه معابر ارگانیک، قطعات ریزدانه، کاربری‌های مختلط و غلبه توده برفضا، خود را بافت مجاور با ویژگی‌های شبکه شطرنجی کاملاً متمایز ساخته، محلات مجاور جزء محلات مرفه نشین شهر هستند در حالی که قلعه آبکوه بافتی غیررسمی و خودرو است و ساکنان آن بضاعت مالی ضعیفی دارند (سعیدی و رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۶). درحقیقت شکل‌گیری این منطقه به عنوان منطقه حاشیه‌ای نه به دلیل مهاجرت‌های روستا شهری بلکه به اجبار

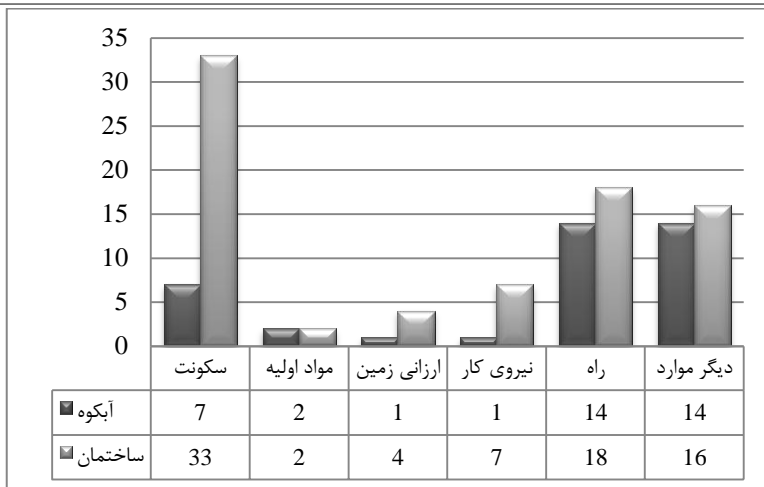
بوده است که به مرور زمان در بافت شهری مشهد حل شده است. مردم این منطقه با توجه به نوع فرهنگ و فعالیت‌های اقتصادی نتوانسته‌اند خود را با استانداردهای شهری هماهنگ کرده و همچنان بافت این منطقه بافتی غیر رسمی و حاشیه‌ای به حساب می‌آید. در ضلع شمال و شمال شرقی مشهد هم در همین سال‌ها (۱۳۷۱-۱۳۲۰) شاهد رشد جمعیت و مهاجرین کم درآمد بوده است که در این قسمت حاشیه تداوم بیشتری داشته است. موقعیت این منطقه بر اساس آخرین تقسیمات شهری، حد فاصل محدوده و حریم مشهد است (شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شرق). مساحت قلعه ساختمان ۲۷۱/۷ هکتار (۳۱۰ بلوک) و جمعیت منطقه، ۹۰۹۸۹ نفر به گزارش شده است.

## ۵. یافته‌ها

در این کار پژوهشی سعی شد با شناخت کلی محدوده‌های مورد مطالعه و انجام مصاحبه و پرسش‌نامه و مشاهدات میدانی وضعیت مالکیت‌های کارگاه‌ها، دوری و نزدیکی محل کار تا محل سکونت، دلایل انتخاب محل کار و میزان رضایت شغلی در هر دو منطقه بررسی گردد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از پرسش‌نامه‌ها در هر دو محله، اکثر کارگاه از نوع اجاره‌ای می‌باشند و درصد مالکیت بسیار کم است. اما کارفرمایان دلایل مختلفی را برای احداث کارگاه در این دو منطقه اعلام نموده‌اند، کارفرمایان در منطقه قلعه آبکوه از بین گزینه‌های (سکونت، راه، ارزانی زمین، نیروی کار ارزان و دسترسی آسان به مواد اولیه) راه و دیگر موارد بوده انتخاب شده بود که بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها دیگر موارد شامل عواملی چون: مرکزیت شهر، همجواری با مناطق مرفه نشین و ... را عامل اصلی دانسته در صورتی که در منطقه قلعه ساختمان کارفرمایان علت احداث کارگاه‌ها را نزدیک بودن به محل سکونت اعلام نموده‌اند.

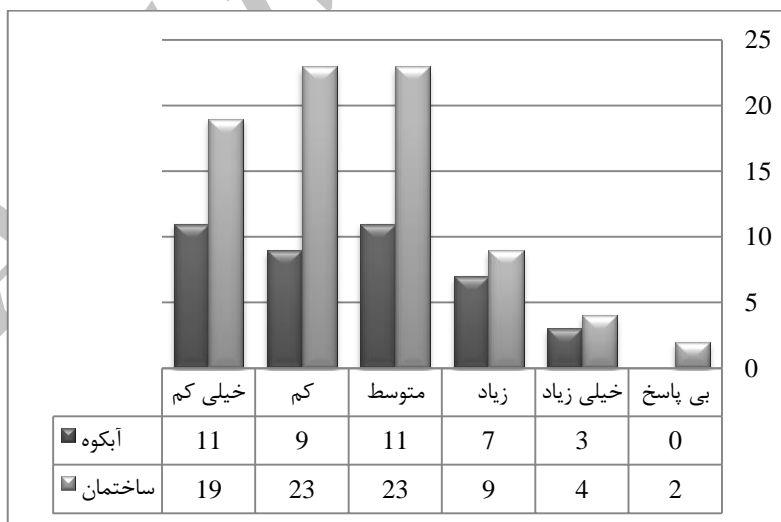


شکل ۱. وضعیت مالکیت (واحد‌های تولیدی) در محلات مورد مطالعه



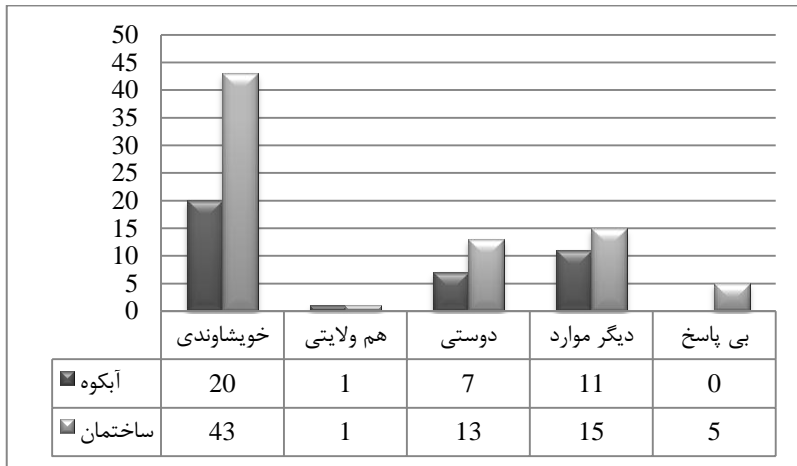
شکل ۲. انگیزه احداث کارگاه (واحدهای تولیدی) در مناطق مورد مطالعه

سؤال‌های مطرح شده در پرسش‌نامه در ارتباط با کارگران شامل رضایت شغلی، دلیل انتخاب منطقه جهت کار، نوع آشنایی با کارفرما و فاصله تا محل سکونت می‌باشد. اطلاعات استخراجی از پرسش‌نامه‌ها در مورد منطقه قلعه آبکوه حاکی از این است که: اکثر این افراد در همان منطقه ساکن می‌باشند و یا با فاصله متوسطی از محل کار سکونت داشته‌اند اما تعدادی از کارگران نیز از دیگر مناطق شهر مشهد (با چندین کیلومتر فاصله تا محل زندگی) به این منطقه می‌آمدند که این وضعیت در مورد قلعه ساختمان کمتر بچشم می‌خورد و فاصله محل سکونت تا محل کار بسیار کم و کم از بین گزینه‌ها انتخاب شده بود.



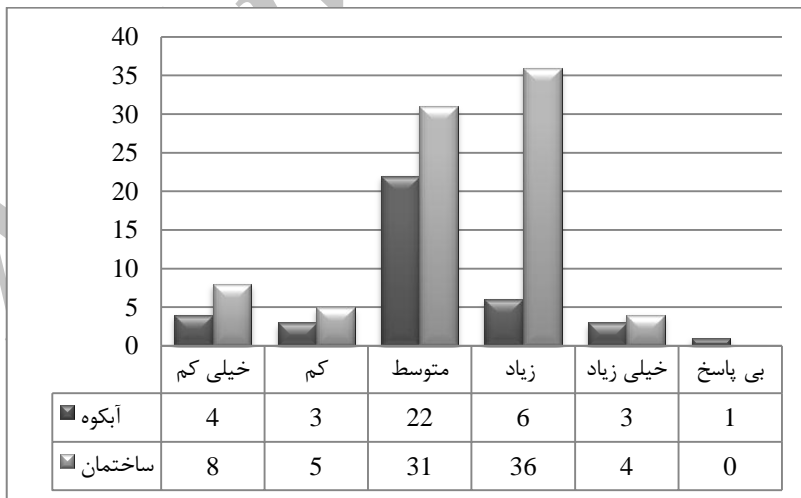
شکل ۳. مقایسه وضعیت فاصله تا محل سکونت در دو محدوده ساختمان و آبکوه

نوع آشنایی با کارفرمایان را، کارگران در هر دو منطقه خویشاوندی و سپس دوستی عنوان کرده بودند که در این زمینه مشابهت‌هایی دیده می‌شود.



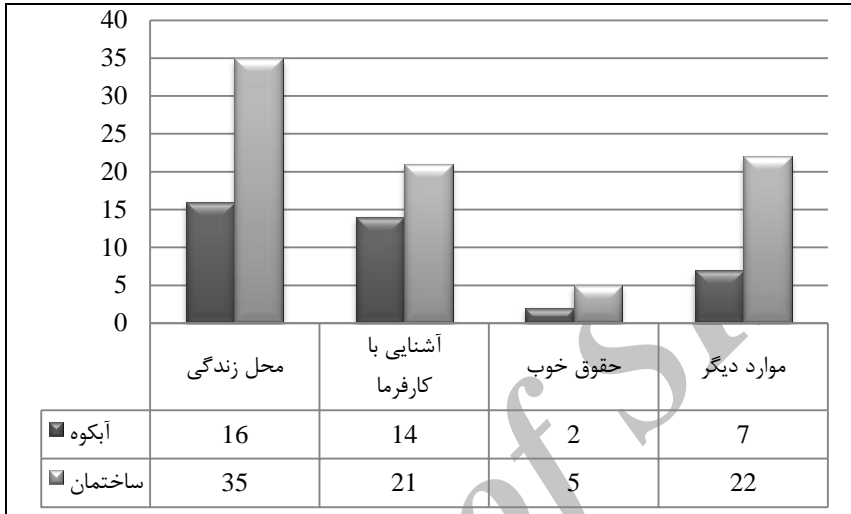
شکل ۴. مقایسه وضعیت فاصله تا محل سکونت در دو محدوده ساختمان و آبکوه

نکته جالب توجه، رضایت شغلی در منطقه قلعه ساختمان می‌باشد که با توجه به دستمزدهای پایین در این منطقه پرسش شونده‌ها میزان رضایت شغلی را از بین گزینه‌ها به صورت زیاد و متوسط اعلام کرده بودند، اما در منطقه قلعه آبکوه با این که درآمد ماهیانه افراد پرسش شونده نسبت به منطقه قلعه ساختمان بیشتر بوده اما پرسش شونده‌گان میزان رضایت شغلی را، متوسط و کم اعلام نموده بودند.



شکل ۵. مقایسه میزان رضایت شغلی در دو محدوده ساختمان و آبکوه

از دیگر موارد مورد بررسی در پرسش‌نامه دلیل انتخاب شغل بوده که در هر دو منطقه گزینه‌های انتخابی نزدیکی به محل سکونت و آشنایی با کارفرما بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است.



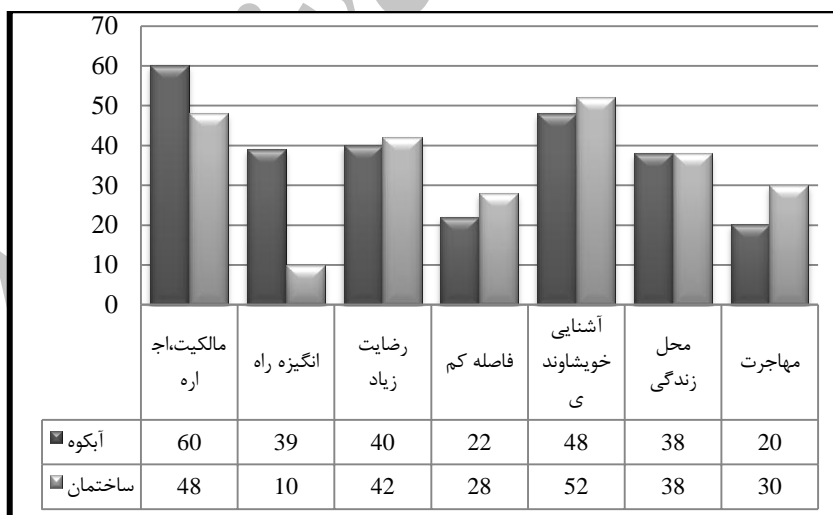
شکل ۶. دلایل انتخاب منطقه جهت کار در محدوده‌های مورد مطالعه

اطلاعات استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها حاکی از این است که درصد مهاجرت در منطقه قلعه آبکوه کمتر از قلعه ساختمان می‌باشد و در منطقه قلعه آبکوه اکثر مهاجران از شهرهای بزرگ و خارج از استان خراسان رضوی بوده‌اند، در صورتی که در منطقه قلعه ساختمان مهاجرین بیشتر از شهرهای خراسان رضوی و خراسان جنوبی بوده‌اند. می‌توان از دلایل این امر قرار گرفتن منطقه آبکوه در مرکز شهر و نوع بافت اولیه منطقه (عدم پذیرش مهاجرین ناشناخته در روستای آبکوه که در توسعه و گسترش شهر مشهد حل شده) را برشمرد. بررسی نهایی، بر روی شاخص‌های ارزیابی شده در هر دو منطقه نشان دهنده وجود همبستگی قوی بین شاخص‌ها و درعین حال دسته بندی آن‌ها در دو خوشه بود، به طور کلی نتایج نشان دهنده آن بود که با در نظر گرفتن یک متغیر مستقل همچون تراکم جمعیت که بتواند تبیین سایر شاخص‌ها را در خود داشته باشد، می‌توان متغیر مؤثری بر حاشیه نشینی مثل مهاجرت را پیش بینی کرد که بر اساس رابطه رگرسیونی زیر تبیین شد.

جدول ۲. آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	65.832	.000		.	./000
	تراکم جمعیت	-.091	.000	-1.000	.	./000
a. Dependent Variable: درصد مهاجرت						

با توجه به ارتباطی همبستگی که بین متغیرهای مختلف وجود داشته است و با نرم‌افزار SPSS مشخص شده است، درصد‌های به دست آمده در هر منطقه در شکل (۷)، مشخص شده است. همانطور که در مطالب گذشته اشاره شد در هر دو منطقه بیشترین مالکیت کارگاه‌ها از نوع اجاره‌ای بوده، انگیزه راه به عنوان ضریب همبستگی با تأسیس کارگاه‌های تولیدی به دست آمده که نشان دهنده درصد کم ارتباط آن در منطقه قلعه ساختمان است. در زمینه فاصله محل سکونت تا محل کار، فاصله کم به عنوان شاخصی مهم برای منطقه قلعه ساختمان شناخته شده است. از دیگر شاخص‌های مهم که در زمینه انتخاب شغل، بدان‌ها توجه شده بود آشنایی (خویشاوندی) با کارفرما و نزدیک بودن به محل سکونت بود که در شکل (۷) به درصد هر دو مورد اشاره شده است. همچنین همانطور که آورده شد درصد مهاجرین در منطقه ساختمان بیشتر از منطقه قلعه آبکوه بوده است.



شکل ۷. مقایسه وضعیت قلعه آبکوه و قلعه ساختمان

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

از رشد و افزایش جمعیت در مناطق حاشیه‌ای اطراف شهرهای بزرگ نمی‌توان جلوگیری نمود، افراد مهاجر روستایی و مهاجر از شهرهای کوچک همواره به امید داشتن زندگی بهتر و درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ روی می‌آورند. این مهاجرت ناآگاهانه نیست بلکه کاملاً از روی آگاهی اتفاق می‌افتد اکثر این افراد به مقصد و منطقه اسکانشان کاملاً آشنا هستند و چه بسا به امید هم ولایتی‌ها و یا آشنایان و خویشاوندانی که در این منطقه دارند اقدام به مهاجرت می‌نمایند. یکی از موارد مهم به دست آمده از این پژوهش اهمیت نزدیکی محل سکونت و کار برای کارگران بوده است. به علاوه نحوه تشکیل سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد مطالعه عامل مؤثری در جذب مهاجرین به این مناطق بوده است.

نتایج نشان می‌دهد که مهاجرت به منطقه آبکوه متوقف شده و اکثر مهاجران از شهرهای بزرگ و خارج از استان به این منطقه مهاجرت نموده‌اند. در حالی که در منطقه حاشیه قلعه ساختمان بیشتر مهاجرین از شهرستان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی بوده‌اند. همچنین نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان دهنده اهمیت کارگاه‌ها و نزدیکی آن به محل سکونت افراد شاغل است. خویشاوند بودن کارفرما با کارگران کارگاه‌های تولیدی بیانگر مهاجرتی هدفدار و پیش‌بینی شده مهاجرین است. بحث اشتغال و بهبود وضعیت مناطق حاشیه‌ای، مورد تازه‌ای نیست، شاید با تغییر وضعیت این مناطق و ایجاد فرصت‌های شغلی مهاجرت به این محدوده‌ها تشویق و تشدید شود اما با برنامه‌ریزی مناسب و مشارکت مردم محدوده می‌توان امید به بهتر شدن وضعیت زندگی و کاری در این محلات داشت. به دلیل عدم مهارت و آموزش‌های لازم افرادی که جذب مشاغل غیررسمی در این مناطق می‌شوند به حداقل دستمزد رضایت می‌دهند و در قبال کار با ساعات زیاد بازهم اعلام رضایت می‌کنند. مسئولان با برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند با پرداخت کمترین هزینه آموزش‌های لازم را در غالب آموزش‌های فنی به افراد متقاضی بدهند.

مهاجرت به بخش قلعه آبکوه تقریباً متوقف شده است (برآمده از گفته ساکنان و آمار)، اما بخش قلعه ساختمان همچنان جاذب مهاجران است و همین امر می‌تواند عامل استثمار نیروی کار توسط کارفرما شود. شناخت مناطق مهاجرپذیری از این نمونه می‌تواند برای برنامه‌ریزان مناسب باشد.

با احداث کارگاه‌های تولیدی دولتی و یا تعاونی در نزدیکی این مناطق می‌توان نیروهای نیمه‌ماهر و یا غیر ماهر را جذب کرد و در قالب کار و دستمزد به آن‌ها آموزش‌های لازم را داد. از آنجایی که حاشیه‌ها در زمین‌های کشاورزی (در گذشته و حال) اطراف مشهد قرار گرفته‌اند لذا با استقرار صنایع مرتبط با کشاورزی به صورت انتفاعی و غیر انتفاعی می‌توان از توانایی افراد مهاجر کشاورز استفاده نمود. کارفرمایان انگیزه اصلی احداث کارگاه در این محلات را نزدیکی به محل سکونت و ارزانی نیروی کار (به ویژه در منطقه قلعه ساختمان) ذکر نموده بودند. با تمهیداتی می‌توان کارفرمایان را ملزم به تأمین حقوق کارگران نمود.

## ۷. منابع

۱. پاتر، رابرت ب، سلیلوید ایونز، ۱۳۸۴، شهر در جهان در حال توسعه؛ ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۲. پاگ، سدريک، ۱۳۸۳، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محرم نژاد، نشاط حداد تهرانی، چاپ اول، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۳. حاتمی نژاد، حسین، زمردیان، محمدجعفر، ۱۳۸۱، اسکان غیررسمی در مشهد، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۵.
۴. رهنما، محمدرحیم، ۱۳۸۷، بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، تربت حیدریه، نیشابور و گناباد، مجله، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره یازدهم.
۵. سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۵، عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در ایران (نمونه قلعه آبکوه مشهد)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸.
۶. شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شرق، ۱۳۸۷، طرح ساماندهی مناطق حاشیه نشین، مشهد.
۷. صابری فر، رستم، ۱۳۸۸، بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند: مطالعه موردی منطقه کارگران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۹۲).
۸. صرافی، مظفر، ۱۳۸۱، پیشنهاد راهبرد توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی در ایران؛ فصل‌نامه تأمین اجتماعی، سال چهارم، شماره یازدهم.
۹. عراقی، علی، ۱۳۸۸، حقوق کار ۱، چاپ دهم، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. علاءالدینی، پویا و ناصری آراز، امین، ۱۳۸۷، اسکان غیررسمی در مشهد: بررسی وضعیت سکونتگاه‌ها و تمهیدات ساماندهی، فصل‌نامه هفت شهر، سال هفتم، شماره ۲۳.
۱۱. قرخلو، مهدی و شریفی، عبدالنبی، ۱۳۸۳، پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز)، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی و ششم، شماره ۵۰.
۱۲. کاظمیان، غلامرضا و همکاران، ۱۳۷۹، بررسی تطبیقی پنج کلانشهر ایران، سازمان عمران و بهسازی.
۱۳. لطفی، حیدر و همکاران، ۱۳۸۹، بحران حاشیه نشینی و سکونت‌گاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت‌های جهانی، فصل‌نامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
۱۴. محسنی، رضاعلی، ۱۳۸۹، مسئله حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه نشینان شهر گرگان)، فصل‌نامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره چهارم.
۱۵. مرکز مطالعات شهرداری مشهد، ۱۳۹۱.
۱۶. مهدوی مزینانی، زهرا و مزینانی، مجتبی، ۱۳۹۰، آسیب شناسی حقوقی کار کودکان و نوجوانان در کسب و کارهای خانوادگی، فصل‌نامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۷. مهندسان مشاور فرهنگ، ۱۳۸۵، طرح مجموعه شهری مشهد، گزارش تعیین حریم و محدوده شهر مشهد، مهندسان مشاور معمار و شهرساز فرهنگ، تهران.
۱۸. مهندسین مشاورین شرق آذین، ۱۳۸۵، طرح جامع شهر مشهد.
۱۹. هاشمی، حمید، ۱۳۸۵، آینده و فضای کسب و کار، فصل‌نامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال دوم، شماره هفتم.
۲۰. هاشمی، سید مناف، ۱۳۹۰، نظام مدیریت شهری در برنامه پنجم توسعه کشور، چاپ اول، نشر شهر (وابسته به سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران)، تهران.



۲۱. هال، پیتر و فایفر، اولریخ، ۱۳۸۸، *آینده شهری قرن ۲۱*، ترجمه اسماعیل صادقی، ناهید صفایی، چاپ اول، جامعه مهندسان مشاور ایران، تهران.

22. **State of the World's Cities**, Slum Cities and Cities with Slums, 2008/2009

23. The world Bank, 2010, **Cities Alliance for Cities Without Slums**, Special Summary Edition.